

**Predigt am Sonntag Reminiszerer, 8.3.2020,  
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)  
Pfr. Gerhard Triebe**

**Römer 5,1-5:**

رومیان باب ۵ آیات ۱ تا ۵

۱ پس چونکه به ایمان عادل شمرده شدیم، نزد خدا سلامتی داریم بوساطت خداوند ما عیسی مسیح،

۲ که به وساطت او دخول نیز یافته‌ایم به وسیله ایمان در آن فیضی که در آنپایداریم و به امید جلال خدا فخر می‌نماییم.

۳ و نه این تنها بلکه در مصیبتها هم فخر می‌کنیم، چونکه می‌دانیم که مصیبت صبر را پیدا می‌کند،

۴ و صبر امتحان را و امتحان امید را.

۵ و امید باعث شرمساری نمی‌شود زیرا که محبت خدا در دل‌های ما به روح القدس که به ما عطا شد ریخته شده است.

**اعضای گرامی:** من امروز می‌خواهم تمرکز اصلی ام را روی جمله ای که هم اکنون با هم شنیدیم بگذارم. (( در مصیبت ها هم افتخار می‌کنیم)) اعتقادنامه پولس رسول در جامعه امروزی ما معنای دیگری از مصیبت دارد و همینطور معیار های متفاوت. در هفته پیش قوه قضاییه جمهوری فدرال آلمان قانون تصویب کرد که در آن علاوه بر اینکه هر انسان حق زندگی کردن دارد، این بار هر انسان می‌تواند حق تعیین مرگ خود را نیز داشته باشد. این قانون به وسیله ((حق توسعه آزادی شخصیت خویش)) ماده دو بند یک کتاب قانون اساسی و ((مصونیت کرامت انسانی)) ماده یک توجیه می‌گردد. اسقف ما در جهت مخالفت با این قانون گفت: این قانون تصویب شده مخالف قانون پنجم کتاب مقدس می‌باشد یعنی ((قتل مکن)) اسقف می‌گوید: هر چند که این قانون برای دیگران صدق کند، ولی ما هم اجازه نداریم خود را با دستان خود هلاک بکنیم. اعضای گرامی، این قانون نشان دهنده این است که نظر جامعه ما در مورد درد و سختی چگونه تغییر کرده است، نسل قدیمی‌تر درد و سختی را جزئی از زندگی خود می‌دانستند و می‌بایست با آن کنار می‌آمدند. امروز شعار بین مردم این شده است که ((دوری از درد و رنج به هر قیمتی)) آن کسی که این فکرها را می‌کند باید انسانی عقب مانده از لحاظ فرهنگی باشد. ولی ما نباید کسی را قضاوت نکنیم. کسانی هستند که دیگر تحمل رنج و سختی که در وجود آنها ریشه دوانده را ندارند و می‌خواهند به زندگی خود پایان دهند. ما نمی‌توانیم آنها را قضاوت بکنیم ولی با این وجود می‌بایست در این باره فکر کنیم که آیا در این جامعه، که ما در آن زندگی می‌کنیم، آنقدر همه چیز خوب است که چنین قوانینی تصویب می‌شود؟ وقتی که انسان در این باره اندیشه کند، این به ذهنش خواهد رسید که به همین سادگی؟ انسان در هر جای این دنیا که باشد مشکل دارد. امروز دنیا شرایط خوبی را به خاطر ویروس کرونا سپری نمی‌کند، خیلی از انسان ها از ترس اینکه این ویروس می‌تواند آنها را نابود سازد و آنها نمی‌توانند این ویروس را از زندگی خود حذف کنند، به مرز دیوانگی رسیدند و این برای آنها غیرقابل تحمل می‌باشد. به همین دلیل این منطقی است که ما امروز درباره موضوع زجر و سختی صحبت کنیم و درباره چیزی که پولس رسول گفت: ((در مصیبت ها هم افتخار می‌کنیم.)) تفکر بنماییم. این جمله معیارهای متفاوتی با تفکرات ما دارد. البته این طور است که حتی ما مسیحیان هم نمی‌توانیم کاملاً خوب به این جمله عمل کنیم و این به خاطر این است که

چنین چیزی غیرممکن و غیر واقعی به نظر می‌رسد. ولی افتخار و مقاومت در جلوی سختی‌ها و مشکلات به این معنی نیست که باید با آنها جنگید و هیچ وقت کم نیاورد. بلکه این به این معناست که به گفته خداوند: ((و می‌دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می‌دارد و بحسب اراده او خوانده شده اند، همه چیزها برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشد.)) ((ما به سختی‌های خود افتخار می‌کنیم)) البته این به این معنا نیست که ما باید مشکلات خود را بی‌اهمیت و ناچیز در نظر بگیریم و یا اینکه تظاهر کنیم که این مشکلات برای ما هیچ هستند. مشکلات را می‌باید کنار زد، یعنی آنچه را که شما را محدود می‌کند، ظلم و ستم می‌کند و زندگی را به کامتان تلخ می‌گرداند. البته که می‌بایست اینها برطرف شوند. اما غرق شدن در مشکلات و مصائب زندگی به این معنا نیست که شما در مقابل مشکلات ایستادگی نکنید و برای رهایی از آنها تلاش نکنید و این به معنای پذیرش این جمله که ((خدا آنها را داده است)) نیست چه کسی می‌داند که چه چیزی برای او مفید و سودمند است؟ ((و می‌دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست میدارند و به حسب اراده او خوانده شده اند همه چیزها برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشند ما به دردها و رنجها افتخار می‌کنیم)) این بدان معنا نیست که رنج و درد و بی‌اهمیت و فرومایه کنید و انمود کنید که از آن آسیبی نمی‌بینید یا اگر شما را بکشد \* هلولیا بخوانید. همچنین به دنبال رنج و سختی گشتن نیست، هنگامی که عزیزی را از دست می‌دهیم، هنگامی که رسوایی برای ما به وجود می‌آید یا بی‌عدالتی در حق مان کرده می‌شود، در غم و اندوه برای فرزندان و در مجموع در راه دشوار زندگی، زیر بار مشکلات و با آرامش: ((می‌دانم که من متعلق به عیسی مسیح هستم، من باید آموزش ببینم، من باید برای حمل صلیب خود آموزش ببینم، خداوندی که توسط صلیب عیسی با من صلح و آشتی برقرار کرد و به من اجازه داد که در صلح وی سهیم بمانم، فقط می‌تواند برای من خیر و خوبی داشته باشد. حتی اگر در حال حاضر نمی‌توانم آن را درک کنم.)) (همینطور ما به مشکلات می‌بالیم)) آیا واقعا اینگونه است؟ آیا ما رنج را طور دیگری یافته ایم؟ آیا همینطور ما نمی‌خواهیم هنگامی که متحمل درد و رنج شده و یا با آن درگیر هستیم، حداقل در اسرع وقت از آن رهایی یابیم؟ آیا ما سعی در پیشگیری از رنج و یا کمتر کردن آن نداریم؟ آیا هر دفعه بابت رنج‌ها و مشکلات که تجربه می‌کنیم شکایت و ناله نمی‌کنیم؟ \* دیتریش بنهوفر در موعظه اش در سال ۱۹۳۸ که البته انسان می‌بایست آن را با دقت بخواند به چیزی اشاره کرد که در این موعظه هم اکنون هم آمده است. کلیسای ما در سال‌های اخیر رنج‌های بسیاری را متحمل گردیده است، بسیاری از کینه‌توزی‌ها سخنان بد و تهمت‌ها، اسارت و بدبختی از همه نوع این زمان وجود دارد و هیچ کس نمی‌داند که کلیسا با چه مشکلات دیگری هنوز رو بروست. ولی آیا در تمامی این سختی‌ها متوجه شدیم که خدا می‌خواهد که خواهد که خودمان را برای او آماده کنیم و ما را آزمایش می‌کند؟ که در تمامی این‌ها فقط یک پرسش اصلی وجود دارد و آن این است که آیا ما با خدا صلح داریم؟ یا اینکه قبلاً در یک صلح کاملاً دنیوی زندگی کرده‌ایم؟ چقدر ناله و اشک و آه در برابر مصیبت‌های به وجود آمده در اینجا آشکار شده است؟ اگر صلیب عیسی در زندگی شخصی مان اندکی سایه افکنده چقدر از انکار کردن و کنار گذاشتن می‌ترسیم؟ چند بار فکر کردیم که می‌توانیم صلح و آشتی خود با خدا را حفظ کنیم؟ و در عین حال از درد و رنج و کینه‌توزی و تهدید جلوگیری کنیم؟ اما خداوند کسی را به پادشاهی خود راه نخواهد داد، مگر اینکه ایمان او اثبات شده باشد ما می‌بایست با سختی‌های فراوان وارد پادشاهی خداوند گردیم. ما باید یاد بگیریم قبل از اینکه خیلی دیر شود حتی آنها را تحسین کرده و مصائبمان را دوست داشته باشیم، دیتریش بنهوفر، این مطلب را هفت سال قبل از شهادتش نوشت. مطمئناً این چیزی نیست که امروز تا روزی دیگران آن را یاد بگیریم. رسول نیز چنین ادعایی ندارد، در عوض یک تحول درونی را درباره آن صحبت می‌کند. فرایندی که تجربه در آن دخیل است. سختی‌ها صبر می‌آورد، صبر موجب ثبات می‌شود و ثبات امید را به ارمغان می‌آورد. من یک بار از یکی از اعضای کلیسا که هم اکنون فوت کرده است پرسیدم که چه کسی بدون تردید بیشتر از من از درد و

رنج من خبر دارد؟ و اینکه چگونه باید رنج و درد را تحمل کنیم و به آن افتخار نماییم؟ خانم پیر به من پاسخ داد که: ((من همیشه یک مبتدی هستم، اما اغلب صبر کافی نیست.)) اما این موضوع باعث آزار او نشده بود شروع کرده بود تا آنچه را که به او تحمیل شده بر دوش گرفته و آن را از روی دوش خود بر ندارد. در هر کجا کسی صلیبی به دست گیرد این تجربه را پیدا می‌کند که عیسی چگونه مصلوب شد و اینگونه با قدرت بر همه نیازها و همه رنج‌ها غلبه کرد. به همین دلیل است که تجربه و صبر و امید را به ارمغان می‌آورد. زیرا بر هر چالشی که غلبه کرده است مقدمه پیروزی آخر می‌باشد. در هر تجربه‌ای در آنجا که به نظر می‌رسد دیگر به پایان راه رسیده ایم جایی که ظلم و ستم همه جا را فراگرفته، جایی که آنقدر به شدت خفه می‌شویم که دیگر نمی‌توانیم نفس بکشیم و حرکت کنیم، همانطور که پولس رسول می‌توانست فریاد بکشد که: ((ما مظلوم هستیم اما هلاک نمی‌شویم چون مجهول و اینک معروف، چون در حالت موت و اینک زنده هستیم، چون سیاست کرده شده اما مقتول نه.)) هر تجربه از این نوع که ناامید نشده و سر خم نکنیم، امید به جلال خدا را به ما می‌بخشد و در حقیقت عشق به خدا پیروز می‌شود و همه چیز را به مقصد می‌رساند. اعضای گرامی: رنج بخشی از واقعیت جهان و زندگی ما انسان‌هاست و همیشه این مسئله را برای ما روشن می‌کند که بهشت را گم کرده ایم، ما هرچقدر که تلاش کنیم که این جهان را به بهشت برگردانیم یعنی همان جا که آدم و حوا در حضور خداوند بودند، اما به خداوند اعتماد نکردند و ما صلح با خدا را از دست دادیم، از آن زمان به بعد همه ما به شخص دیگری تبدیل شده و فقط به دنبال سود و فواید خود هستیم و مهم نیست که چه درد و رنجی به دیگران وارد می‌آید به عنوان این مثال ما در حال حاضر تجربه می‌کنیم که مواد ضد عفونی کننده و ماسک‌های تنفسی در بیمارستان‌ها وجود دارد ولی به سرقت برده می‌شود تا از خود محافظت کنند. به دلیل یک چنین افرادی در اطراف خود ما نمی‌توانیم رنج و درد را از جهان و زندگی خود دور کنیم ما به عنوان یک مسیحی می‌دانیم که به همین دلایل است که وقتی با درد و رنج مواجه می‌شویم از آن وحشت نمی‌کنیم. این بخشی از زندگی ماست، همچنان نیز باقی مانده و می‌ماند. ما فکر می‌کنیم که شاید فقط با خاتمه دادن به زندگی خود می‌توانیم از این همه رنج و مصیبت از فرار کنیم، از این طریق رنج و درد افراد دیگر را بیشتر می‌کنیم. کاملاً واقع بینانه ما به عنوان مسیحی می‌توانیم بگوییم که نمی‌توانیم درد و رنج را به سادگی از میان ببریم، ما موظفیم که آگاهانه رنج‌ها را کاهش داده و به مردم در تسکین رنج‌هایشان تا جایی که می‌توانیم کمک کنیم. این معیار اصلی ما برای قضاوت و داوری در مورد دردها و رنج‌ها و برخورد با آنهاست و به این ترتیب ما می‌توانیم به مصائب خود مباحثات کنیم، زیرا خداوند ما عیسی مسیح با مرگ بر روی صلیب همه آنچه را که میان ما و خداوند فاصله انداخته بود از میان برداشت و صلح و آشتی را میان ما و او برقرار کرد به همین دلیل است که پایان زندگی ما و هیچ چیز ما همانند درد و رنج و حتی مرگ جاودانی نیست. بلکه زندگی ابدی است و در نهایت رنج فعلی ما به پایان می‌رسد. بله، قابل توجه است که عیسی گناهان ما را دقیقاً به این دلیل که خود رنج را تحمل کرد بر دوش گرفت، زیرا از درد و رنج فرار نکرد، اما تمامی رنج‌ها را با آنکه وحشت و ترس داشتند حمل کرد. رنج‌های او در زندگی ما را رنج نمی‌دهد و با کاری که او انجام داد مرگ را از بین برد. با اعتماد به عشق او می‌توانیم به رنج و سختی‌ها افتخار کنیم و مانند رسول در پایان این بخش از نامه اعتراف کنیم: ((زیرا یقین می‌دانم که نه موت و نه حیات و نه فرشتگان و نه رؤسا و نه قدرتها و نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده

و نه بلندی و نه پستی و نه هیچ مخلوق دیگر قدرت خواهد داشت که ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است جدا سازد.)) آمین

\* هلهلویا یا هلولیا نویسه‌گردانی لفظ (به عبری: הללו יה) می‌باشد این لفظ از دو واژه «هلهلو» و «یاه» (مخفف یهوه) تشکیل شده است و به معنای «ستوده باد یهوه» است. این لفظ در کتاب

مقدس عبری ۲۴ بار عمدتاً در کتاب مزامیر به کار رفته است (مزامیر ۱۱۱ تا ۱۱۷ و ۱۴۵ تا ۱۵۰).  
عمده مسیحیان به عنوان ستایشی لذت بخش از خدا، از این لفظ استفاده می‌کنند.

\*دیتریش بنهوفر (انگلیسی: Dietrich Bonhoeffer؛ زاده ۴ فوریه ۱۹۰۶ – درگذشته ۹ آوریل ۱۹۴۵) یک فیلسوف اهل آلمان بود. دیتریش بنهوفر، پروتستان آلمانی و عالم الهیات که در ۹ آوریل ۱۹۴۵ در اردوگاه کار اجباری فلوسنبرگ اعدام شد.